

نقد و بررسی کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران*

• زینب السادات معصومی زاده

تاریخ جراید و مجلات ایران، تألیف محمد صدرهاشمی کتابی است که به معرفی مجلات و روزنامه‌های منتشره در ایران می‌پردازد. این کتاب در نوع خود یکی از کامل‌ترین منابع این موضوع در حیطة زمانی مشخص به شمار می‌رود و در ایران دوبار به چاپ رسیده است. چاپ اول آن مربوط به سال ۱۳۲۷ و چاپ دوم آن در سال ۱۳۶۳ صورت گرفته است. با توجه به اهمیت کتاب مذکور و نایاب بودن آن، درصدد برآمدیم تا به بررسی و نقد آن پرداخته و زمینه‌آشنایی هرچه بیشتر صاحبان علم و معرفت را با این کتاب مهیا نماییم.

معرفی نویسنده

محمد صدر هاشمی فرزند سیدمهدی در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی در شهر اصفهان در یک خانواده محترم و معروف روحانی متولد گردید. نامبرده فرزند اول خانواده بود. وی در کودکی در منزل پدری نزد دو استاد سرخانه شیخ محمد بیدآبادی و حاج آقا آخوند زفره‌ای به یادگیری تحصیلات ابتدایی و آموزش صرف و نحو پرداخت.

سال‌ها بعد با عطش و علاقه زیادی که به آموزش علم داشت در مدرسه صدر اصفهان واقع در بازار بزرگ این شهر حجره‌ای اختیار نمود و از محضر استادانی چون میرسید علی نجف آبادی و سایر علمایی که در مدرسه صدر مشغول تدریس بودند استفاده کرد و به تحصیل علم و فقه و اصول مشغول گردید. ضمناً نزد شیخ محمد خراسانی فلسفه و حکمت آموخت و چندی نیز از محضر حاج آقا رحیم ارباب کسب فیض نمود. سپس بر علوم جدید روی آورد و در مدرسه صارمیه اصفهان به تحصیل علوم جدید پرداخت.

* نشریه یاد، سال ۲۱، پاییز ۱۳۸۵، صص ۳۰۲-۳۱۷.

بعدها هم‌زمان، با تدریس در مدارس اصفهان به یادگیری زبان فرانسه مشغول شد و در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات گردید و با امتیاز شاگرد اول از هر دو دانشکده موفق به دریافت جایزه از وزیر فرهنگ وقت شد. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد. از جمله ریاست یکی از دبیرستان‌های زنجان، بازرس فنی و ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان به او سپرده شد. در دانشگاه اصفهان نیز به تعلیم سخن‌سنجی و سبک‌شناسی دانشکده ادبیات منصوب شد و ضمناً پیوسته در توسعه کتابخانه شخصی خود کوشش می‌نمود. به طوری که بالغ بر ۲۱۷۴ جلد کتاب جمع‌آوری نمود. به تدریج بینایی وی کم شد و برای کسی که تنها عشق و علاقه‌اش در زندگی مطالعه و تحقیق بود، این مسئله ضربه سختی بود و به تدریج در روحیه وی اثر گذاشت و وی را رنجور و ضعیف نمود. وی تا آخرین روزهای زندگی مطالعه کرد، درس داد و مقاله نوشت.

وی در نیمه شب ۳۰ فروردین ۱۳۴۴ هجری شمسی در منزل خود در اصفهان بدرود حیات گفت. از جمله فعالیت‌های بارزش مرحوم صدر هاشمی شناسایی قبر صائب تبریزی می‌باشد. وی در این باره مقاله‌ای نیز به رشته تحریر در آورده است. از دیگر فعالیت‌های فرهنگی وی انتشار مجله چهلستون در اصفهان به مدیریت وی می‌باشد. چهلستون به مدت پنج سال و به صورت هفتگی منتشر می‌گردید که حاوی مقالات تحقیقی و علمی و تاریخی متعددی بوده است.

از مهم‌ترین آثار وی همین کتاب *تاریخ جراید و مجلات ایران* می‌باشد که نتیجه بیش از ده سال کار و کوشش مداوم وی به شمار می‌رود. شعر و شاعری در عصر صفویه از دیگر تألیفات وی محسوب می‌شود که در آن اوضاع و احوال مردم ایران و چگونگی شعر و شاعری در عصر صفویه مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

هم‌چنین ترجمه کتاب *تمدن اسلام و غرب* تألیف جرجی زیدان و ترجمه کتاب *تاریخ کربلا و حائر حسینی* تألیف دکتر عبدالجواد کلیددار از عربی به فارسی و ترجمه و تصحیح *قصص خاقانی* از فعالیت‌های وی به شمار می‌رود. *عشاق قندهار و جادوگر مشهور* دو کتاب از کنت دوگوبینو نویسنده فرانسوی هستند که توسط صدر هاشمی ترجمه شده‌اند. وی چاپ *تذکره الانساب* در انساب‌خاندان مجلسی را نیز به عهده داشته است.

معرفی کتاب

تاریخ جراید و مجلات ایران مهمترین اثر مرحوم صدر هاشمی به شمار می‌رود. این کتاب یکی از مستندترین کتاب‌هایی است که در زمینه تاریخ مطبوعات ایران تدوین گردیده است. این مجموعه نفیس و دست اول نتیجه بیش از ده سال کوشش وی می‌باشد که در ۱۲۲۳ صفحه و در چهار جلد به قطع وزیری و در سال‌های بین ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ در اصفهان و توسط انتشارات کمال به چاپ رسید. این کتاب مدت‌ها نایاب بود و در سال ۱۳۶۳ مجدداً چاپ گردید. کتاب به شرح زیر است.

جلد اول کتاب در ۳۵۱ صفحه و در آذر ماه ۱۳۲۷ انتشار یافته است.
جلد دوم کتاب در ۲۳۹ صفحه و در دی ماه ۱۳۲۸ انتشار یافته است.
جلد سوم کتاب در ۱۸۹ صفحه و در اسفند ماه ۱۳۲۹ انتشار یافته است.
جلد چهارم کتاب در ۳۴۴ صفحه و در مهر ماه ۱۳۳۲ انتشار یافته است.
تدوین و تألیف کتاب و به خصوص موضوعات تاریخی که محتاج مطالعه و پرسش از دیگران می‌باشد، به اندازه‌ای در کشور ما کار مشکلی است که تا کسی به آن وارد نشود به مشکلات و سختی‌های آن پی‌نخواهد برد. روش مؤلف آن بوده است که اطلاعات مربوطه را از منابع اصلی اخذ و اقتباس می‌نموده و برای اطلاع از چگونگی و طرز انتشار هر یک از جراید و مجلات فارسی و آشنایی به وضع زندگی مدیران آن‌ها به هر یک از صاحبان جراید نامه‌ها نوشته و از آن‌ها مشخصات روزنامه و یا مجله آن‌ها را همراه با عکس خودشان درخواست می‌کرده است.
از سختی‌های دیگر کار این بوده است که وی برای کسب این اطلاعات مجبور به انجام مسافرت‌های فراوانی گردید. هم چنین در عمل دیده شد که نسخ بعضی از جراید و مجلات فارسی به کلی نایاب گردیده و دسترسی به آن‌ها محال و بسیار مشکل است. نویسنده خود اشاره می‌کند که اغلب مشاهده شد که مدیر و صاحب امتیاز روزنامه از چگونگی و مدت انتشار روزنامه‌اش به کلی بی‌اطلاع است و وقتی نگارنده اطلاعات و معلومات خود را درباره آن روزنامه برای او بیان می‌کرد، از شگفتی و تعجب نمی‌توانست خودداری کند. گاهی پاسخ عجیبی می‌شنیدم. بدین قسم که اظهار می‌داشتند که ما وضع زندگی هفته و ماه قبل را فراموش کرده‌ایم چه انتظار دارید که از سال‌های پیش به شما اطلاعاتی بدهیم!
این کتاب به بررسی جراید و مجلات منتشر شده از ابتدا تا شهریور ۱۳۲۰ می‌پردازد. البته باید ذکر نمود که در حوزه موضوع تاریخ مطبوعات ایران، کتاب‌های زیادی به چاپ رسیده است که بخش وسیعی از آن‌ها به بررسی مطبوعات ایران و مشروطیت می‌پردازند.
مهم‌ترین منبع در این رابطه کتاب *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت* می‌باشد که توسط ادوارد براون تهیه شده است. در انتها فهرست کتاب‌های تاریخ مطبوعات ایران ذکر خواهد شد.

ساختار کتاب

ساختار کتاب چهار جلدی حاضر مشتمل بر مقدمه در هر جلد و موضوع اصلی می‌باشد. جلد اول مشتمل بر مقدمه نسبتاً طولانی و در حدود ۳۵ صفحه می‌باشد. در ادامه و پس از مقدمه بررسی جراید و مطبوعات ایران صورت گرفته است.
اطلاعات گسترده و کاملی درباره تاریخ نشر در ایران در مقدمه جلد اول ذکر شده است. از جمله اطلاعاتی که در مقدمه کتاب در اختیار خواننده قرار می‌گیرد، اطلاعات مربوط به قدیمی‌ترین روزنامه ایران می‌باشد که به زبان فارسی و در حدود سال ۱۲۵۳ قمری به مدیریت میرزا صالح شیرازی در تهران

تأسیس و چاپ گردیده است. امروز هیچ نسخه‌ای از روزنامه مذکور در دست نمی‌باشد، اما شرحی از آن در مجله *انجمن آسیایی* (ج پنجم، سال ۱۸۳۹ میلادی) نوشته شده است.

البته پیدایش روزنامه به طور مرتب و منظم از اقدامات میرزا تقی‌خان امیرکبیر می‌باشد که در زمان ناصرالدین شاه صورت گرفته است. این روزنامه *وقایع اتفاقیه* نام داشته که بعدها با تغییر نام به *ایران سلطانی* و *ایران* انتشار می‌یافته است.

قدیمی‌ترین و اولین روزنامه یومیه که در کشور ما به وجود آمده روزنامه دولتی *خلاصه الحوادث* است که همه روزه به استثنای روزهای یکشنبه و جمعه روی یک ورق کاغذ طبع و توزیع می‌شده است. انتشار این روزنامه در زمان مظفرالدین شاه و شماره اول آن در روز دوشنبه چهاردهم جمادی الاخر ۱۳۱۶ قمری بوده است. *خلاصه الحوادث* مرتباً تا شماره ۱۱۰۷ مورخ ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۱ قمری مطابق با ۱۳ آگوست ۱۹۰۳ م. منتشر می‌گردیده است.

مقدمه جلد اول کتاب شامل اطلاعات مفید دیگری درباره وضعیت نشر و روزنامه‌نگاری و چگونگی روزنامه‌ها و جراید مختلف در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، در دوره مشروطه اول، و در دوره مشروطه دوم تا پایان سلطنت قاجار و در کابینه ۹۰ روزه سید ضیاء و در دوره رضا شاه می‌باشد.

نویسنده چگونگی انتشار جراید و توزیع آن در زمان ناصرالدین شاه را بدین گونه توصیف می‌کند که در زمان ناصرالدین شاه، اعیان و اشراف و احکام مملکت موظف به قبول و تأدیة آئونه روزنامه بوده‌اند. در پایتخت طبق تقسیم‌بندی معینی تعدادی روزنامه به عنوان حکام و ولایات و شهرستان‌ها فرستاده می‌شده که آن‌ها به نوبه خود جراید را توزیع و در آخر سال وجوه آن‌ها را جمع‌آوری و به پایتخت ارسال می‌نمودند. یکی از وظایف مهم حکام و مباشرین ولایات همین توزیع جراید دولتی و جمع‌آوری آئونه آن‌ها بوده است. تمام جراید و مطبوعات در زمان ناصرالدین شاه دولتی بوده‌اند.

اما در زمان مظفرالدین شاه بعضی از جراید خصوصی به دست اشخاص تأسیس یافت و انتشار جراید غیردولتی حتماً با اجازه وزارت انطباعات صورت می‌گرفت و به پیشنهاد وزارتخانه مذکور صدر اعظم حکمی مبنی بر اجازه انتشار روزنامه صادر می‌کرد و به همین صورت نیز از انتشار مجله یا روزنامه‌ای جلوگیری می‌نمود. روزنامه‌های زمان مظفرالدین شاه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. اول روزنامه‌های دولتی که وزارت انطباعات آن‌ها را طبع و منتشر می‌نموده است و دوم روزنامه‌های آزاد یا غیردولتی که به دست اشخاص تأسیس و اداره می‌شده‌اند. اطلاعات مهم و گرانبهای دیگری درباره تاریخ تفتیش و سانسور در مطبوعات ایران در مقدمه جلد اول ذکر شده است. از جمله در مقدمه جلد اول آمده است که تفتیش و بازرسی مطبوعات برای اولین بار در زمان ناصرالدین شاه به وجود آمد. به این صورت که اداره‌ای به نام اداره سانسور در ایران تأسیس شد. البته واضح است که چون در زمان ناصرالدین شاه تمام جراید دولتی بوده، نظارت و تفتیش درباره آن‌ها بی‌فایده و بی‌حاصل بوده است ولی در زمان مظفرالدین شاه به علت کثرت مطبوعات داخلی و خارجی، سانسور محقق گردیده است. هم‌چنین در دوره صدارت اتابک اعظم ورود جرایدی که به زبان فارسی در خارج ایران طبع و منتشر می‌شد، ممنوع گردید. در ادامه

مقدمه جلد اول شرح سانسور بیش از حد دولت بر مطبوعات و سپس اعتراض نمایندگان دوره اول مجلس نسبت به این امر و پافشاری آنان مبنی بر آزادی جراید شرح داده می‌شود.

در این دوره روزنامه‌نگاران و اهالی مطبوعات تلاش فراوانی را جهت آزادی مطبوعات انجام دادند، ولی مخالفت محمدعلی شاه با اساس مشروطیت منجر به محدودیت مضاعف مطبوعات ایران گردید. پس از استقرار مشروط دوم، فرار محمدعلی شاه و جلوس احمد شاه، به تدریج آزادی خواهان و مدیران جراید که به خارج کشور رفته بودند، به ایران بازگشتند و مجدداً شروع به کار کردند و بازار جراید ایران دیگر باره رونق گرفت. این وضعیت تا زمان استقرار کابینه سیدضیاء ادامه داشت. سیدضیاء که خود از اهالی مطبوعات به شمار می‌رفت، پس از در دست گرفتن قدرت بسیاری از مطبوعات مخالف را توقیف نموده و از انتشار آن‌ها جلوگیری کرد.

نویسنده در ادامه مقدمه جلد اول به بررسی وضعیت جراید در دوره رضا شاه پهلوی نیز می‌پردازد. با به قدرت رسیدن رضا شاه، مطبوعات احتیاط فراوانی از خود نشان می‌دادند. اما بعضی از جراید تندرو و سرکش تحت سانسور شدید قرار گرفته و بالطبع جراید شدیدالحن و مخالف دولت از بین رفتند. این رفتار ادامه پیدا کرد به طوری که در سال ۱۳۱۰ شمسی بیش از تعداد معینی روزنامه در تهران و شهرستان‌ها چیزی منتشر نمی‌شد. در دوره رضا شاه شهربانی کاملاً بر مندرجات جراید نظارت می‌کرد و هیچ مطلبی بدون اجازه شهربانی منتشر نمی‌گردید. در این دوره بسیاری از روزنامه‌نگاران مخالف زندانی شدند و تحت آزار و اذیت‌های فراوانی قرار گرفتند.

پس از حادثه شهریور ۱۳۲۰ و کناره‌گیری رضاشاه و ایجاد فضای باز سیاسی پس از محدودیت‌های اعمال شده در گذشته جراید مجدداً پا به دایره انتشار گذاشتند و زندانیان مطبوعات آزاد شدند و هر روز، روزنامه‌های جدیدی در کشور انتشار می‌یافت.

در فضای ایجاد شده، مطبوعات به انتقاد گسترده از دوره قبل و اعمال خلاف قانون صورت گرفته می‌پرداختند.

نویسنده در انتهای مقدمه جلد اول اشاره می‌کند که در همین دوران، قانون جدید مطبوعات از تصویب مجلس گذشت و جراید و روزنامه‌ها با شرایط جدید مشغول به فعالیت شدند. نویسنده پس از پایان مقدمه جلد اول بلافاصله و بدون ذکر هیچ عنوانی برای ادامه کتاب، وارد مبحث اصلی شده و به بررسی ویژگی‌های مجلات و مطبوعات ایران می‌پردازد. در جلد اول حدود ۲۶۶ عنوان که با حروف الف شروع می‌شوند مورد بررسی قرار گرفته است. اولین عنوان در صفحه ۳۶ و مربوط به روزنامه آیینیه می‌باشد که در شیراز منتشر می‌شده است. آخرین عنوان جلد اول نیز با شماره ۲۶۶ مربوط به ماهنامه ایوان مدائن است.

ساختار جلد‌های دیگر کتاب نیز مانند جلد اول می‌باشد به صورتی که شامل یک مقدمه و متن اصلی است.

مقدمهٔ جلد دوم حدود ۷ صفحه است. جلد دوم در اردیبهشت ۱۳۲۸ چاپ و در ۱۳۶۴ تجدید چاپ شده است. در این مقدمه نویسنده قسمتی از نوشته‌های روزنامه‌ها و مجلاتی که دربارهٔ جلد اول کتاب مطالبی نوشته بودند را به چاپ رسانده است. هم‌چنین قسمتی از نامه‌هایی که اصحاب مطبوعات به وی نوشته بودند نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در بیشتر این مطالب، کار برجستهٔ صدر هاشمی مورد تقدیر نویسندگان قرار گرفته است.

در جلد دوم، کتاب با عنوانی از روزنامه‌ها و مجلاتی که با حرف «ب» شروع شده‌اند آغاز می‌شود و تا حرف «ر» مورد بررسی قرار می‌گیرد. عنوان اول کتاب شماره ۲۶۷ و مربوط به روزنامهٔ *باختر* است. آخرین عنوان نیز به شماره ۶۰۵ و مربوط به *مجلهٔ ریاضیات عالی و مدماتی است*. مقدمهٔ جلد سوم شامل ۹ صفحه می‌باشد که مانند جلد دوم به انتقادات، پیشنهادات و تقدیر و تشکرهای دیگران اختصاص دارد. عنوان اول در جلد سوم که با شماره ۶۰۶ شروع می‌شود، به روزنامهٔ *ارمنی زاراریت باهر/ اختصاص* دارد. عنوان آخر جلد سوم به شماره ۷۸۴ و روزنامه *مصور و فکاهی ظریف* اختصاص یافته است.

مقدمهٔ جلد چهارم بسیار کوتاه می‌باشد و بلافاصله عنوان ۷۸۵ ذکر شده که به *مجلهٔ عالم نسوان* اختصاص یافته است. آخرین عنوان کتاب در جلد چهارم و با شماره ۱۱۸۶ و به ماهنامهٔ *یگانگی* اختصاص دارد.

در ادامه به بررسی ویژگی‌های کتاب می‌پردازیم.

۱. کتاب در حقیقت فرهنگ جراید و مجلات فارسی است و از این رو تنظیم آن مانند سایر فرهنگ‌ها از فرهنگ لغات می‌باشد و بر این اساس می‌توان آن را فرهنگ مطبوعات ایران نام نهاد.

۲. مبنای تنظیم اسامی تمام جراید و مجلات ایران از آغاز تأسیس روزنامه‌نگاری در ایران، بر اساس حروف تهجی می‌باشد. به صورتی که در خود اسامی نیز همین ترتیب رعایت شده است و بنابراین از حرف الف بعد همزه شروع شده است. بر این اساس اولین عنوان مورد بررسی روزنامهٔ *آئینه* می‌باشد. و در ضمن رعایت حروف ما بعد اول نیز شده است. به این صورت که عنوان *آئینه/ افکار* پس از *آئینه* و *آئینه/ ایران* پس از *آئینه/ افکار* آمده است.

عنوان‌های بعدی *آئینه جنوب، آیین خلقت، آئینه شمال، آئینه عرفان* و... می‌باشد و همان‌طور که دیده می‌شود بر اساس حروف تهجی در حرف اول و سپس در حرف دوم تنظیم گردیده‌اند.

در جاهائی که اسامی روزنامه‌ها و مجلات مشابه بوده است. میزان تقدم عنوان بر اساس قدمت انتشار صورت پذیرفته است. مثلاً ابتدا از *مجلهٔ الاسلام* که در سال ۱۳۲۰ هجری قمری انتشار یافته گفت‌وگو شده و بعد از آن از *الاسلام* منتشره در سال ۱۳۳۱ هجری قمری و به همین ترتیب ذکر شده است.

۳. با این که نام کتاب *تاریخ جراید و مجلات ایران* است. با وجود این برای این که چیزی از جراید، فارسی و یا جرایدی که در این کشور منتشر شده از قلم نیفتد، جراید و مجلاتی که به زبان‌های مختلف

ارمنی، آسوری، فرانسه، انگلیسی و روسی در ایران انتشار یافته است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نیز جراید و مجلاتی که در خارج از ایران مانند برلین، قاهره، لندن و سایر پایتخت‌ها به زبان فارسی منتشر می‌شده مورد بحث قرار گرفته‌اند. در حقیقت کتاب حاضر مجموعه‌ی کاملی از تمام جراید و مجلات داخلی به هر زبانی و جراید و مجلات فارسی می‌باشد.

۴. نویسنده تلاش کرده است تا در ذیل عنوان هر روزنامه و مجله تمام اطلاعات مربوط به آن را از مدت انتشار، سال تأسیس، تعداد دفعات توقیف آن، شرح احوال مدیر روزنامه و مجله تا آن جا که امکان داشته است، قطع و تعداد صفحات، نوع چاپخانه از سربی و چاپی، قید گردد. هم‌چنین نویسنده در مواردی که امکان داشته تصویر اول روزنامه یا مجله و تصویر مدیر آن‌ها را چاپ نموده است. نویسنده تلاش نموده است که در مواردی که روزنامه از انتشارات مؤسسه یا حزب و یا مدرسه بوده است به تفصیل از هر کدام از آن‌ها گفت‌وگو نماید.

۵. نویسنده در مقدمه ذکر نموده است که جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم در درجه اول تلاش نموده است که تمام اطلاعات مربوط به هر روزنامه، از متن دوره‌های آن به دست آید. یعنی تلاش نویسنده مبنی بر کسب اطلاعات از منابع دست اول بوده است. در این راستا، نویسنده تمام تلاش خود را برای به دست آوردن شماره اول مجلات و روزنامه‌ها انجام داده است. از این رو اغلب سنوات تأسیس و انتشار مبتنی بر مدرک غیر قابل انکار یعنی شماره اول روزنامه‌ها و مجلات بوده است و درباره‌ی تاریخ آغاز انتشار به شنیده‌ها و یا آگهی‌هایی که حکایت از انتشار روزنامه در فلان تاریخ می‌نماید اکتفا نشده است و تماماً مستند به عین شماره‌های اول بوده است. مگر در موارد استثنایی که دسترسی به شماره اول میسر نبوده و در این صورت به سال انتشار اکتفا شده است.

۶. کتاب حاضر مشتمل بر شرح چگونگی جراید و مجلات فارسی‌ای است که تا شهریور ۱۳۲۰ انتشار یافته و از ذکر شرح مجلات و جرایدی که پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران منتشر شده خودداری گردیده است.

کمبودها و کفایت‌ها

با توجه به این که نویسنده در مقدمه اعلام نموده است که تلاش کرده تا اطلاعات وسیعی از هر روزنامه یا مجله در اختیار خواننده قرار دهد و وابستگی حزبی آن‌ها را مشخص نماید، اما در عمل مشاهده می‌نماییم که در ذیل بسیاری از عناوین، اطلاعات اندک و غیر مهمی به خواننده داده می‌شود و محتوای روزنامه‌ها و مجلات مورد بررسی چندان قرار نمی‌گیرد و در بیشتر موارد تنها به ذکر شرح حال مدیران مسئول جراید اکتفا شده است. هم‌چنین هیچ نشانی از خط فکری و سیاسی بسیاری از مجلات و روزنامه‌ها دیده نمی‌شود و وابستگی حزبی و سیاسی آن‌ها مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. با مطالعه فقط چند عنوان می‌توانیم دریابیم که نویسنده در بعضی از موارد به جزئیات غیر ضروری زیادی اشاره نموده است از جمله:

نوع زیبایی خط از جمله نستعلیق و یا معمولی بودن خط و جنس کاغذ مورد توجه قرار گرفته است مانند عنوان ۸۵۵ روزنامه فرهنگ: روزنامه فرهنگ به خط نستعلیق و با کاغذ بسیار خوب طبع شده و تحریر آن به عهده میرزا عبدالرحیم خوشنویس متخلص به افسر که یکی از خطاطان معروف و مشهور اصفهان بوده است. نامبرده در هر شماره اسم خود را در انتهای صفحه چهارم نوشته شده است. نوع چاپ نیز با جزئیات زیادی مورد توجه قرار گرفته است از جمله سنگی، سربی، ژلاتینی. از جزئیات دیگر می‌توان به قیمت روزنامه یا مجله اشاره کرد که با دقت زیادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند مانند عنوان ۲۰۹ شهاب ثاقب: آبونه سالیانه یکصد و پنجاه نمره در طهران ۴۵ قران، ولایات داخله ۵۰ قران.

قطع روزنامه نیز مورد بررسی قرار گرفته است از جمله خستی و وزیری بودن قطع روزنامه. نویسندگان حتی وقایعی که برای روزنامه اتفاق افتاده است و موجب اختلال در چاپ گردیده است مانند حریق نیز ذکر کرده است.

مورد بعدی قیمت اعلانات است، مثلاً در ذیل عنوان شماره ۳۰ آتش/افشان: بهای روزنامه سالیانه شیراز ۴۵، داخله ۵۰، خارجه ۶۰ قران است. اعلانات صفحه اول سه قران، دوم دو قران، سوم یک قران، چهارم ده شاهی.

اندازه صفحات نیز با جزئیات مورد بررسی قرار گرفته است مثلاً در ذیل شماره ۱۰ آیینة غیب‌نما هر شماره روزنامه در ۴ صفحه به قطع ۷/۵ سانتیمتر در دوازده سانتیمتر می‌باشد. یا در ذیل شماره ۶۸۷ عنوان شرف: هر روزنامه در چهار صفحه به قطع ۱۱×۷ اینچ است. تعداد صفحات، قطع و نوع چاپ نیز در شماره ۷۵۲ صور/سرافیل چنین بررسی شده است: در هشت صفحه به قطع وزیری با چاپ سربی. نویسندگان در بسیاری از موارد به مصور یا غیر مصور بودن مجله اشاره کرده است که جالب و مفید به نظر می‌رسد. مثلاً در ذیل شماره ۳۰ آتش/افشان: با این که در عنوان روزنامه نوشته شده است این جریده جامع الاطراف و مصور است مع ذلک در شماره‌های موجود تصویری دیده نمی‌شود.

از جزئیات دیگری که مورد بررسی نویسندگان قرار گرفته است این است که نویسندگان به این که در بالای صفحه اول چه تصویری کشیده شده است یا این که در بالای اسم روزنامه چه جمله‌ای نوشته شده اشاره نموده است، مثلاً در ذیل شماره ۵ عنوان آیینة جنوب در عنوان در بالای اسم روزنامه جمله (یدالله مع الجماعه) و در زیر آن (المؤمن مرآت المؤمن) و در داخل آیینة جنوب سال ۱۳۰۴ که سال تأسیس روزنامه می‌باشد، درج شده است.

یا در ذیل شماره ۷۵۲ عنوان صور/سرافیل: سر لوحه آن که به رنگ‌های مختلف قرمز، آبی، سیاه و... چاپ شده عبارت از فرشته آزادی است که در صور می‌دمد و گروه انبوهی او را به یکدیگر نشان می‌دهند. در داخل سرلوحه اسم روزنامه صور/سرافیل به خط نسخ درشت و با خط ریز کلمات حریت - مساوات - اخوت نوشته شده است. در بالای سرلوحه نیز آیه (و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون) و در پایین آن آیه (فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم) درج گردیده است.

در بسیاری از موارد نویسنده در یک خط و فقط به سال انتشار و شهری که روزنامه در آن منتشر می‌شده اشاره نموده است که البته با وسواس و موشکافی عجیبی سال تأسیس مجله و تاریخ انتشار یک یک جراید ثبت شده است. در ذیل تمام عنوان‌ها می‌توان این اطلاعات را به طور مشترک به دست آورد. عنوان روزنامه یا مجله، سال انتشار آن و طرز انتشار روزنامه (هفتگی، ماهنامه، دو هفته یک بار و ...) و شهری که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شده است. شیوه نگارش مطالب کتاب به صورتی است که اطلاعات یکسانی درباره روزنامه‌ها و مجلات به خواننده نمی‌دهد و تنها اطلاعات یکسان برای تمام مجلات، اطلاعات ذکر شده در مورد قبلی است. این ایراد ضربه اساسی را به ساختار کتاب وارد نموده است. مثلاً از مواردی که شرح مفصلی آورده شده است شماره ۷۵۲ و عنوان *صور/اسرافیل* می‌باشد. نویسنده شرح مفصلی از روزنامه و ویژگی‌های آن و چگونگی انتشار آن به خواننده می‌دهد. شرح مفصلی از ستون چرند و پرند روزنامه و چگونگی توقیف آن و حتی احضار مدیر *صور/اسرافیل* در دارالفنون و سوال و جواب‌های مربوط به آن به طور مفصلی در ذیل عنوان *صور/اسرافیل* شرح داده شده است. از موارد دیگر می‌توان به این مسأله اشاره کرد که روزنامه‌ها و مجلات سیاسی معروف به طور ویژه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند به خصوص مجلاتی که نقش زیادی در آگاهی مردم و ایجاد مشروطه داشته‌اند مانند *صور/اسرافیل*، *توفیق*، *رعد*، *حبل‌المتین*، *مظفری*، *قرن بیستم*، *نسیم شمال* و... که صفحات زیادی به آن‌ها اختصاص یافته است. عناوین معمولی به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بسیاری از موارد نویسنده نتوانسته است هیچ نسخه‌ای از مجله یا روزنامه را بیابد و بدین ترتیب هیچ اطلاعاتی به خواننده داده نمی‌شود. هم‌چنین نویسنده حجم یکسان و مناسبی را در نظر نگرفته است بعضی از توضیحات فقط چند سطر و گاهی فقط یک سطر و در موارد دیگر چندین صفحه برای آن در نظر گرفته شده است.

در برخی موارد خلاصه سرمقاله اولین شماره با شماره‌های دیگر آورده است تا بدینوسیله محتوای روزنامه یا مجله به خواننده نمایانده شود که اگر در مورد تمام عناوین به کار می‌رفت بسیار مفید بود. نویسنده نظم خاصی را برای ذکر تاریخ در پی نگرفته است به طوری که بعضی اوقات تاریخ را شمسی و گاهی قمری ذکر می‌نماید.

از ویژگی‌های کتاب نیز می‌توان به این مورد اشاره کرد که مثلاً در ذیل شماره ۳۰ عنوان *آتش/افشان* این‌گونه آمده است: سابقاً رسم چنین بود که قسمت‌های سانسور شده را سفید می‌گذاشتند. در همین مقاله نیز که به شدت به شیخ خزعل حمله شده و شیخ را آلت بلا ارادهٔ اجانب دانسته به علت سانسور جای مطالب حذف شده سفید است.

امتیازات کتاب

این کتاب در حوزه تخصصی خود کتاب جامعی محسوب می‌شود و توانسته است مجموعه کاملی از اسامی مجلات و روزنامه‌های تاریخ مطبوعات ایران را در اختیار خوانندگان و محققان قرار دهد.

این کتاب نخستین و کاملترین کتاب در حوزه مطبوعات ایران به شمار می‌رود که توانسته است حدود ۱۱۸۶ عنوان از جراید و مطبوعات کشور را مورد بررسی قرار دهد. این کتاب می‌تواند یاری‌دهنده دانشجویان و محققان گرامی در حوزه مطبوعات ایران باشد و اطلاعات وسیعی را نسبت به وضعیت نشر روزنامه‌ها و مجلات در اختیار خوانندگان قرار دهد. این کتاب در تدوین دایرةالمعارف مطبوعات ایران و یافتن مدخل‌های مناسب با آن بسیار کارساز است.

البته نویسنده معتقد است که کتاب *تاریخ مطبوعات ایران* در حقیقت تألیف و تدوین نیست بلکه ایجاد و ابداع یک قسمت از تاریخ است. از کاستی‌های کتاب نیز می‌توان به این مورد اشاره کرد که عناوین زیادی از قلم افتاده است و فقط حدود ۱۱۸۶ عنوان دیده می‌شود. همچنین با توجه به گستردگی و فراوانی مطبوعات در ایران لزوم پرداختن به مجلات و روزنامه‌هایی که پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران منتشر گردیده‌اند احساس می‌شود. در رابطه با این کتاب می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه داد: لزوم تدوین *دایرةالمعارف مطبوعات ایران* از ابتدا تاکنون احساس می‌شود. همچنین تنظیم این دایرةالمعارف یا کتاب بر اساس حروف الفبای فارسی صورت گیرد.

منابع

۱. *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، محیط طباطبائی، انتشارات بعثت، ۱۳۷۵.
۲. *تاریخ مطبوعات در ایران و جهان*، جهانگیر صلح‌جو، انتشارات امیرکبیر.
۳. *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ادوارد براون، انتشارات معرفت.
۴. *سیری در مطبوعات ایران*، مسعود برزین، انتشارات راستی.
۵. *مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۶*، حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات.
۶. *مطبوعات ایران از ۱۳۴۳ الی ۱۳۵۳*، مسعود برزین، انتشارات بهجت، ۱۳۵۳.
۷. *اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. *سرگذشت مطبوعات ایران در روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه*، سید فرید قاسمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. *تاریخ روزنامه‌نگاری ایران*، دو جلدی، سید فرید قاسمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. *رویدادهای مطبوعاتی ایران*، سید فرید قاسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۱. *اولین مطبوعات ایران*، سید فرید قاسمی، نشر آبی.
۱۲. *خاطرات مطبوعات*، سید فرید قاسمی، نشر آبی.
۱۳. *مطبوعات ایران در قرن بیستم*، سید فرید قاسمی، انتشارات قصه.
۱۴. *تاریخ شفاهی مطبوعات ایران*، سید فرید قاسمی، انتشارات ققنوس.
۱۵. *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، عبدالکریم ذاکر حسینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. گذری به تاریخ سیاسی مطبوعات و قوانین مطبوعاتی در ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷، معصومه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۷. تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی، منصور حسین‌زاده، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۸. تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، دو جلدی، ناصرالدین پروین، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران، زهرا باقریان‌نژاد اصفهانی، اصفهان، مولانا.
۲۰. فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه ملی ایران، بیژن سرتیپ‌زاده.
۲۱. روزنامه‌های ادبی در ایران، فریدون آدمیت.
۲۲. راهنمای روزنامه‌های ایران، احمد صباکردی مقدم (تهیه و تنظیم کتابخانه ملی ایران).
۲۳. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، کوئل کهن، تهران، آگاه، ۱۳۶۲.
۲۴. تاریخچه مطبوعات ایران، سعید نفیسی.

